

یادداشت

تنش نظامی میان طالبان و پاکستان



عبدالنصر نورزاد

استاد پیشین دانشگاه کابل

آنچه میان طالبان و ارتش پاکستان رخ می دهد یک بازی استخباراتی، یک تاکتیک جدید و یک ترفند ماهرانه است؛ تا بازی موجود در وجود طالبان خلاصه شود و اسلام آباد بتواند از آن به نفع خود استفاده کند. در غیر آن صورت، در حال حاضر که اکثریت خانواده های سران طالبان، در پاکستان هستند و ارتباطات مشکوک و مورد تردید استخباراتی که میان سران این گروه و استخبارات نظامی پاکستان به گونه تاریخی وجود داشته است، امکان هر نوع تمبر را از طالبان در برابر پاکستان سلب می کند. به باور من، منطقی هم نیست که تصور شود، فصلی از تنش میان اسلام آباد و طالبان به وجود آمده باشد. به علاوه، درگیری میان طالبان و ارتش پاکستان، فصل جدیدی از بازی هایی است که در منطقه به اشاره انگلیس، آمریکا و تحت مدیریت نظامیان پاکستانی به راه انداخته شده است. فصلی از تحول در نوع بازی و ایجاد یک فضای ایدک کاذب و وارونه، برای لایوشانی حقایق موجود در مورد روابط پیچیده طالبان و پاکستان. زیرا، از لحاظ ماهیتی طالبان یک عنصر و ابزار تحت کنترل نزد پاکستان است. درگیری های گاه و بیگاه که در منطقه رخ می دهد، بیشتر روی کاروان های مواد مخدر، اختلافات روی تقسیم منافع و نوع بازی های سیاسی و استخباراتی است. اما در بعضی مواقع، واکنش پاکستان در برابر طالبان، به نسبت بیبوند احتمالی ای است که امکان دارد میان عناصر پشتون در پاکستان و طالبان شکل گیرد و در آینده به یک چالش برای پاکستان، مبدل شود. بااین حال، طالبان نسبت به وضعیت موجود دارای نفع هستند و پاکستان هم هدفمندان در این خصوص، بازی می کند. به طور مثال طالبان برای بلند بردن وجهه پر خدشه شان در سطح داخلی، می خواهند حس ملی گرایی، دفاع از خاک و نوع تلاش برای باز پس گیری مناطق مورد ادعای افغانستان در آن طرف خط دیورند یک نظام با مسئولیت نشان دهند. در حالی که پاکستان، با عین سناریو، در تلاش است از یک طرف با ارسال پیامی، هر گونه بازی احتمالی از طرف هند و سایر کشورهای منطقه را روی کارت طالبان، رصد کند و از طرف دیگر، نشان دهد که قربانی تروریسم است. البته که روند رو به افزایش تمایلات استقلال طلبانه تیارگرایانه در میان اقوام ساکن در پاکستان مانند بلوچ ها، پشتون ها و پنجابی و سندی ها، خطری جدی است برای آینده سیاسی پاکستان، اما تا آن مرز که طالبان افغانستان بتوانند در این مسیر، کاری انجام دهند که منافع اسلام آباد را با خطر مواجه کند، چندان منطقی به نظر نمی رسد. ضمناً با توجه به خصلت و بیبوند طالبان افغانستان با تروریسم فراملی و گروه های افراطی در منطقه و فرمانطقه و برنامه ای که قرار است این گروه برای بی ثبات سازی منطقه انجام دهد، تنش میان کشورهای منطقه با طالبان و حتی کشورهای حامی این گروه، از نظر امنیتی، اجتناب ناپذیر است، اما نافرمانی طالبان از پاکستان و تدوام این وضعیت را نمی توان فعلی پیش بینی کرد. طالبان با اتحاد ایدئولوژیک با سایر گروه های تروریستی از جمله تی تی پی، ابزاری در خدمت منافع امنیتی پاکستان هستند. امکان ادامه تحرکات این چنینی نظامی و درگیری های مرزی میان این گروه و پاکستان، بسیار ضعیف است؛ زیرا از لحاظ توان نظامی، امکانات تسهیلاتی و تسلیحاتی، نفربری و تدارک جنگ برای درازمدت، طالبان خیلی آسیب پذیرند. از طرف دیگر، در شرایطی که پاکستان، با بحران سیاسی، اقتصادی و مقابله با گروه های بلوچ و همچنین رقابت نفسگیر با هند به گونه تاریخی، مواجه است، تدوام چنین سناریوی جنگی، منطقی به نظر نمی رسد. ولی فصلی بودن و مقطعی بودن این درگیری ها، بر اساس برنامه نظامیان پاکستانی، یک تجربه ثابت شده است. از این گذشته، بازی تاجایی پیچیده است که حتی پاکستانی های حامی خواهند پای چین را در کف، دخیل سازند و نشان دهند بالای طالبان افغانستان، کنترلی ندارند. روزنامه دان پاکستان نوشته که پاکستان از چین بخواهد تا طالبان را تنبیه کند، در حالی که باور غالب بر این است که پاکستان، واسطه ای است در راستای گرم شدن روابط میان طالبان و چین. اگرچه چینی ها در بی نفوذ در افغانستان تحت کنترل پاکستانی اند، اما مجال کمتری بازی موثر و کارساز را دارند که بتواند اهداف یکن را بر آورده کند. زیرا طالبان از خود رهبر دارند و تصمیم نهایی را رهبر اصلی این گروه می گیرد. بر کسی پوشیده نیست که طالبان مطلقاً یک برنامه انگلیسی – آمریکایی تحت مدیریت پاکستان اند. از سوی دیگر، پاکستان تلاش می کند با منطقه ای نداشتن دادن موضوع، پای منطقه را به این بحران خود ساخته، بکشاند و خود امتیاز کسب کند. زیرا نظامیان پاکستانی، به خوبی می دانند که هر نوع دخالت بیرونی (منطقه ای و فرمانطقه ای) سرازیر شدن پول هایی را باعث می شود که بتوان از آن برای مقابله با بحران اقتصادی و مالی در پاکستان، استفاده کرد. به این علت است که پاکستان برخلاف محاسباتش که تصور کرده بود با حاکمیت طالبان در افغانستان، از یک طرف به عمق استراتژیکش در این کشور می رسد و از سوی دیگر، می تواند از منطقه و فرمانطقه از حیث مدیر مستقیم این گروه، امتیاز کسب کند. اما حالا منطقه و فرمانطقه، به گونه دراماتیک داخل یک تعامل سازشکارانه با طالبان شده اند و این کار، تضعیف نقش اسلام آباد در بازی های بعدی در خصوص کارت طالبان را باعث می شود. به همین دلیل است که وزارت امور خارجه آمریکا، پاکستان را «شریک مهم و کلیدی» ایالات متحده می خواند و اذعان می دارد که زمانی که صحبت از مبارزه با تروریسم و مسائل امنیتی به میان می آید، با اسلام آباد در ارتباط منظم هستند. پاکستان هم از وضعیت موجود، نفع می برد و کوشش می کند قضیه را با تروریسم فراملی که قرار است تمام منطقه را درگیر یک روند بی ثبات سازی منطقه ای کند، پیوند بزند. این کار باعث می شود تا دوباره منطقه و فرمانطقه، به پاکستان رجوع کنند و کارت بازی، در دست اسلام آباد انحصار باشد.

نرسی قربان در گفت و گو با «آرمان ملی» از خط لوله صلح می گوید؛

ظرفیت صادراتی گاز به هند را از دست دادیم



پاکستان می خواهد هزینه انتقال گاز را

ایران بپردازد



ایران هزینه انتقال گاز را بپردازد

صادرات گاز صرفه اقتصادی ندارد



آرمان ملی - احسان اسحاقی: «خط لوله صلح»، جمله کوتاهی که در خود تلاش های ۲۵ ساله ایران را همراه دارد تا بتواند از طریق یک خط لوله گاز خود را به پاکستان برساند تا این کشور از آن بهره برد و در نهایت بخش عظیمی از گاز ایران به هند برسد و از این طریق هند و پاکستان به هم نزدیک شده به مخاصمه های خود پایان دهند. اما اکنون سال ها از موعد این طرح گذشته است و هیچ قراردادی هم در این زمینه امضا نشده است و به نظر می رسد هندی ها هم دیگر در انتظار واردات گاز از ایران نیستند. چراکه از منابع جایگزین برای تأمین انرژی مورد نیاز خود استفاده کرده اند. آن روز که هند علاقه داشت که از ایران گاز بخرد شاید به شکوفایی اقتصادی کنونی نرسیده بود اما هند امروز در حال تلاش برای رساندن خود به چین در ابعاد مختلف اقتصادی است و ایران نتوانست از این ظرفیت استفاده کند. آرمان ملی برای بررسی آنچه در گذشته خط لوله صلح نامیده می شد با نرسی قربان، کارشناس برجسته حوزه انرژی به گفت و گو پرداخته است او معتقد است: از نظر اقتصادی بررسی های زیادی بر روی انتقال گاز ایران به پاکستان صورت گرفته. قرار بود ۶۰ درصد این گاز به هند برود، ۳۰ درصد به پاکستان و ۱۰ درصد هم در جنوب ایران مصرف شود. زمانی که هند از این خط حذف شد و با فشار آمریکایی ها کنار رفت شاید از منظر اقتصادی هم این خط لوله و مساله انتقال گاز ایران به پاکستان چندان مقرون به صرفه نباشد. ایران البته ذخایر گاز زیادی دارد اما به علت اینکه تحریم ها علیه تهران شدید است کشوری و یا شرکتهای حاضر به سرمایه گذاری بر روی چاه های گاز ایران نیست و ایران هم نمی تواند آنگونه که باید از این ذخایر بهره برد. قرار بود یک کنسرسیوم گازی برای سرمایه گذاری در استخراج گاز در ایران ایجاد شود و کشورهای مختلف دنیا نیز در این کنسرسیوم نقش داشتند صحبت هایی وجود داشت که ۲ الی ۳ فاز پارس جنوبی توسط این کنسرسیوم توسعه یابد و خط لوله انتقال هم به هند از پاکستان کشیده شود اما اکنون این شرایط هم دیگر وجود ندارد. در ادامه این مصاحبه را می خوانید:

▲ آقای نرسی قربان بار دیگر مساله صادرات گاز ایران به کشورهای شرقی یا سفر رئیس جمهور مطرح شده است به راستی چه خبر از خط لوله صلح؟

خط لوله صلح در حدود سه دهه گذشته مطرح شد و در آن زمان بحث های زیادی در این ارتباط صورت گرفت. علت اینکه نام این خط لوله انتقال گاز از خط لوله صلح گذاشتند این بود که از قرار معلوم برنامه این بوده که خط لوله ای حامل گاز از ایران به پاکستان رفته و در نهایت به هند برسد و چون پاکستان و هند در آن زمان با یکدیگر درگیری داشتند و تنش زیادی بین این دو کشور بود کارشناسان معتقد بودند اگر این خط لوله ایجاد شود صلح بین دو کشور ایجاد خواهد شد. به همین علت نام این خط لوله را خط لوله صلح گذاشتند.

▲ اکنون هم نامگذاری این خط با توجه به از بین رفتن تنش بین پاکستان و هند معنادار است؟

در حال حاضر که شرایط بین دو کشور بهبود یافته اما دیگر بحثی در مورد صادرات گاز ایران به هند وجود ندارد. از این منظر نگاه به این خط برای انتقال گاز ایران به پاکستان بی معناست.

▲ انتقال گاز ایران در موقعیت کنونی که ایران با

خط لوله صلح در حدود سه دهه

گذشته مطرح شد و در آن زمان

بحث های زیادی در این ارتباط صورت

گرفت. علت اینکه نام این خط لوله

انتقال گاز را خط لوله صلح گذاشتند

این بود که از قرار معلوم برنامه این بوده

که خط لوله ای حامل گاز از ایران به

پاکستان رفته و در نهایت به هند برسد

و چون پاکستان و هند در آن زمان با

یکدیگر دعوا داشتند و تنش زیادی بین

این دو کشور بود. کارشناسان معتقد

بودند اگر این خط لوله ایجاد شود صلح

بین دو کشور ایجاد خواهد شد. به

همین علت نام این خط لوله را خط لوله

صلح گذاشتند

هندی ها هم از آن کنار کشیدند. پاکستان البته هیچ گاه از این خط لوله کنار نکشید، اما اینجا این سوال به وجود می آید که هزینه کشیدن خط لوله باکیست پاکستان می خواهد هزینه انتقال گاز را ایران بپردازد. اگر هم نیت این است که صادراتی به پاکستان صورت بگیرد باید سرمایه گذار بر روی چاه های گاز ایران لحاظ شود. این سرمایه گذاری را چه کسی می خواهد انجام دهد، خدا داند چرا که ایران در شرایط کنونی خود با مشکلات متعددی روبه روست و خود نمی تواند برای توسعه تولید و صادرات آن سرمایه گذاری کند.

▲ برای همیشه بازار صادرات گاز ایران به هند را از دست دادیم؟

با این شرایط که کنسرسیومی وجود ندارد و سرمایه گذاری هم صورت نمی گیرد پس نمی توان گاز ایران را به هند صادر کرد. در نتیجه بازار صادراتی برای گاز ایران به هند از بین رفته است.

▲ اگر قرار باشد ایران خود سرمایه گذاری برای انتقال گاز انجام دهد چه صرفه ای برای ایران دارد که قصد دارد گاز خود را به پاکستان صادر کند؟

ایران یکی از بزرگ ترین ذخایر گاز جهان را دارد. روس ها اول هستند و ایرانی ها دومین ذخایر گاز جهان را دارند و اگر قرار است از این ظرفیت برای توسعه اقتصادی ایران بهره ببریم باید شرایطی را به وجود آوریم سرمایه گذاری بر روی چاه های نفت و گاز ایران افزایش یابد و اگر ایران بتواند به این سمت حرکت کند جز منفعت نخواهد داشت اما اگر قرار باشد همه کارها از سرمایه گذاری تا تولید تا انتقال گاز را خودمان انجام دهیم دیگر صادرات گاز به منظور بهره اقتصادی، معنا ندارد.

گاز ایران به چین هم می رسد؟

ابتدا موضوع را جدی تر پیگیری می کردیم پاکستان همان زمان نسبت به آماده سازی زیرساخت و دریافت گاز اقدام می کرد و گاز حتما به سمت هندوستان هم می رفت و به این ترتیب پاکستان باتوجه به عبور خط لوله سال ها به ایران وابسته می شد و امکان تحریم هم وجود نداشت. این کارشناس حوزه انرژی گفت: پروژه دیگری که پاکستان در دستور کار دارد اینکه اکنون به پیشنهاد آمریکا قرار است از ترکمنستان و با عبور از مسیر افغانستان به پاکستان تا هند پروژه تایی را اجرا کند و در واقع آمریکا به دنبال مسیری برای دور زدن و گرفتن فرصت از ایران است هرچند این پروژه با وجود طالبان در شرایط اما و اگر و ابهام قرار دارد. وی با بیان اینکه اجرای پروژه خط لوله ایران - پاکستان به نفع هر دو کشور و امنیت منطقه است، خاطر نشان کرد: اگر این خط اجرا شود به کشورهای دیگر از جمله چین هم امکان ارسال گاز را داریم، زیرا اکنون چین به گاز نیاز زیادی دارد زیرا چند هزار کیلومتر خط لوله با هزینه کشور خودش از ترکمنستان کشیده تا نیاز خود را برطرف کند ما نیز با اجرای خط لوله در کشور پاکستان از همین ابتدا باید به فکر ریزینی و مذاکره با چین برای ارسال گاز به این بازار بزرگ باشیم زیرا زیرساختی که امنیت اقتصادی ایجاد کند و یک کشور را به ما وابسته کند؛ غیرقابل تحریم است.

چالش هایی در حوزه گاز مصرفی روبه روست، صرفه اقتصادی دارد؟

از نظر اقتصادی بررسی های زیادی بر روی انتقال گاز ایران به پاکستان صورت گرفته. قرار بود ۶۰ درصد این گاز به هند برود ۳۰ درصد به پاکستان و ۱۰ درصد هم در جنوب ایران مصرف شود. زمانی که هند از این خط حذف شد و با فشار آمریکایی ها کنار رفت شاید از منظر اقتصادی هم این خط لوله و مساله انتقال گاز ایران به پاکستان چندان مقرون به صرفه نباشد. ایران البته ذخایر گاز زیادی دارد اما به علت اینکه تحریم ها علیه تهران شدید است کشوری و یا شرکتهای حاضر به سرمایه گذاری بر روی چاه های گاز ایران نیست و ایران هم نمی تواند آنگونه که باید از این ذخایر بهره برد. قرار بود یک کنسرسیوم گازی برای سرمایه گذاری در استخراج گاز در ایران ایجاد شود و کشورهای مختلف دنیا نیز در این کنسرسیوم نقش داشتند صحبت هایی وجود داشت که ۲ الی ۳ فاز پارس جنوبی توسط این کنسرسیوم توسعه یابد و خط لوله انتقال هم به هند از پاکستان کشیده شود اما اکنون این شرایط هم دیگر وجود ندارد.

▲ پس درخواست هایی که مقامات پاکستانی برای واردات گاز از ایران دارند چیست؟

آمریکایی ها جلوی رفتن این خط لوله به هند را گرفتند.

ایران یکی از بزرگ ترین ذخایر گاز جهان را دارد. روس ها اول هستند و ایرانی ها دومین ذخایر

گاز جهان را دارند و اگر قرار است از این ظرفیت برای توسعه اقتصادی ایران بهره ببریم باید

شرایطی را به وجود آوریم که سرمایه گذاری بر روی چاه های نفت و گاز ایران افزایش یابد و اگر

ایران بتواند به این سمت حرکت کند جز منفعت نخواهد داشت اما اگر قرار باشد همه کارها از

سرمایه گذاری تا تولید تا انتقال گاز را خودمان انجام دهیم دیگر صادرات گاز به منظور بهره

اقتصادی، معنا ندارد